

حیات به روایت ایرانیان

بنا به روایت کاوش‌های باستان‌شناسی، معبد از قدیمی‌ترین نمونه‌های معماری انسان‌ها بوده که بر شکل‌گیری بناهای دیگر انسان‌ساخت همچون خانه و کاخ اثر گذاشته است. انسان‌های دوران باستان، که فهم ویژه خود از جهان وهستی را داشتند، برای ایجاد «رابطه» با آن، به تجسم اعتقاد خود می‌پرداختند. اشیاء و عناصری را به عنوان نماد قدسیت، جهان‌والا و خیرمطلق انتخاب می‌کردند و آنها را در صحنه زندگی خود به کار می‌گرفتند. این چنین بود که زیباآفرینی آغاز شد. زیبایی، صورت وجود برتر است و زیباسازی، فرآیند معنا بخشی به محیط زندگی که در جزء و کل عناصر پیرامون اثر می‌گذارد. انسان با انتخاب از میان عناصر طبیعت و چیدمان جدید از آنها، فضایی می‌آفریند که حامل معنای مورد نظر است. پس از آن، زمانی را در فضا به زندگی می‌گذرانند؛ نسل در نسل، و تدریجاً «فضا» به «مکان» بدل می‌شود. «فضا»، صورت مطلوب و بایسته زندگی انسان و «مکان»، محصول تلفیق زندگی با آن است.

حیات، به معنای آنجا که در پیرامون است، نوع مشهور فضای ایرانی است. عرصه‌ای با آسمان باز، آبی در میانه و درختانی در کناره که زندگی دور تا دور آن رخ می‌دهد؛ عناصر زندگی، ساخته‌های انسانی هستند که هر یک در روندی مشابه پدید آمده‌اند. اشکال معنا یافته‌ای که در جریان تاریخ با سوهان نیازها و اقتضات انسانی صیقل خورده‌اند.

حیات ایرانی، مکان و منظری است که به تدریج و در طی هزاره‌ها، شکل نهایی خود را یافته و به عنوان جوهر فضا، در اقسام مختلف معماری ایران بروز کرده است. معماری حیات مرکزی، که برای توصیف گونه غالب معماری ایرانی استفاده می‌شود، وصف پدید آمدن فضا بر مدار حیات است؛ حیاطی که مظهر معناست و موجب زیبایی فضا و تبدیل آن به مکان زندگی. در این روند، حیات به مثابه عنصر حامل معنا، به «جسم» معماری، روح و «جان» می‌بخشد؛ حیات موجب حیات می‌شود.

مراسم سلام عید دوره قاجار در میدان ارگ تهران، گویای روند دمیده شدن حیات در فضای زندگی ایرانی است. حوض آب بزرگی در میانه فضا، مرکز پرگاری است که عناصر رویدادها را نظم داده است. درختانی در کنار فضا را کمال بخشیده است. پس آنگاه ایوان قصر، که به این صحنه چشم دوخته، و توپ جنگی، که مظهر قدرت حاکم است، در دوسوی آن تعبیه شده‌اند. خیابان به مثابه فضای اجتماعی از کناره قصر، که جایگاه قدرت است، خود را به کانون حیات بخش می‌رساند و بنای دیگری، به نشانه قدرت دست دوم در کنار حیاط، از خوان نعمت آن می‌نوشد. خوانش حیات ایرانی، که علی‌رغم تفاوت در شکل عناصر پیرامونی ماهیت واحدی دارد رمز کمال جویی از حیات تا حیات را برملا می‌سازد.

مراسم سلام عید، به عنوان دنباله روی سنتی که تخت جمشید را پدید آورد، رفتاری است که خود را با منظر ایرانی انطباق داده است؛ علی‌رغم آن که جای زیادی برای جمعیت انبوه وجود ندارد، اما گویی این رفتار در آن فضا است که منزلت واقعی خود را به دست می‌آورد. تجمع جمعیت در زمان خاص و در مکانی با ویژگی‌های گفته شده، نمایش صحنه‌ایست از حیات به روایت ایرانیان.

پی‌نوشت

برای بررسی بیشتر در مورد مکان و منظر رجوع کنید به مقاله: برک، آگوستن. (۱۳۸۷). منظر، مکان، تاریخ. ترجمه: مریم‌السادات منصور، مجله باغ نظر، ۵ (۹): ۹۰-۸۱.

سردبیر

Life Narrated by Iranians

According to archeological excavations, temples are the earliest outcomes of human architecture that have affected the formation of other human-constructed buildings such as houses and palaces. Ancient people, with their particular perception of the world, embodied their beliefs in order to “relate” to the world. They chose exceptional objects and elements as symbols of sanctity, the supreme world and the absolute blessing to be used in their life scenes. And so beauty creation came to life. Beauty is the embodiment of a better existence and beautification is signification of the environment to influence the surrounding elements in whole and detail. Man rearranges what he chooses from nature to create a space that implies his intended meaning. Thereby he spends time living in space and generation by generation; the “space” gradually becomes a “place”. “Space” is the desirable and necessary form for human life and “place” is the product of space combined with life. Yard, meaning there that is around, is the prominent type of Iranian space; an area with an open blue sky in the middle, and surrounded by trees where life happens all around it. Elements of life are human-made creations produced in the same process; meaningful forms that have reshaped in the course of history with the human requirements and demands. Iranian yard is a place and a landscape¹ that is shaped gradually over the millennia. It has appeared as the essence of space in various types of architecture in Iran. The central courtyard architecture, which is used to describe the dominant type of Iranian architecture, is the description of space formation pivoted by the yard; a yard that is a symbol of meaning and beautifier of

space in order to transform it into a place. Therefore, in the process, the yard as the element of cresting meaning, offers spirit and “life” to the “body” of architecture through essence of yard.

Eid greeting ceremony of Qajar era in Arg square of Tehran narrates the life giving flow in Iranian space of living. A large pool of water in the middle of the space arranges the elements and the order of events as the center of a compass. Thereby the palace porches that seems to have locked their views to the scene, and the cannon which is a symbol of power, have been built on both sides. The street as a social space from the edge of the palace approaches to his redemptive focus of yard and another building as the secondary sign of power in side of the yard, benefits from its virtue. Reading the Iranian yard which is of the same nature despite the difference in the peripheral elements is the key to reveals its desire to seek perfection from yard to life. Eid greeting ceremony, as a traditional celebration that created Persepolis, is a unique behavior of adaptation to Iranian landscape. Despite inadequate space to room a large crowd, the behavior in the space depicts its real status. The crowd gathered at a specific time and place with mentioned features is the manifestation of a scene narrated by Iranians.

Footnote:

For further information on place and landscape please refer to: Berque, A. (2008). Paysage, milieu, histoire, translated from french by Maryam Alsadat Mansouri, journal of BAGH-I-NAZAR, 5 (9): 81-90.

editor-in - chief